

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلقی کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۶۹۷، دوشنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۵، ۲۰ مارس ۲۰۱۷، ۵۰۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

نوروز و رستاخیز زندگی بیروز باد

فرا رسیدن نوروز، جشن بزرگ ملت کرد و سال نو کردی بر همگان خجسته باد. امیدواریم همزمان با نو شدن سال و تجدید حیات طبیعت و توأم با شکوفایی جوانه‌های حیات و رویش امید به زندگانی در طبیعت کردستان، دروازه‌های خیر و برکت و رهایی به روی ملتمان نیز گشوده شده و زندگی تمامی افراد و جامعهی کردستان قرین پیشرفت و کامیابی گردد. کمیسیون تبلیغات و اطلاع‌رسانی حزب دمکرات کردستان ایران ضمن شادباش به مناسبت سال نو و جشن ملی نوروز، شکوفایی زندگی و نیل به آرزوهای ملتمان را آرزو نموده و امیدوار است که سالی سرشار از شادی و پیروزی در انتظار جامعهی کردستان باشد. نوروزتان پیروز

حزب دمکرات کمیسیون تبلیغات و اطلاع‌رسانی
نوروز ۲۷۱۷ کردی



آینده کردها از روزنه
نوروز

۶



مصطفی هجری:
تبعیض علیه ملیت‌های
تحت ستم به آستانه
خطرناکی رسیده است

۵



مصطفی هجری:
پیشمر که نشان داد که
هیمنه‌ی جمهوری اسلامی،
کاذب است

۴



شش سازمان سیاسی
کردستان ایران در رابطه
با برگزاری نوروز گرد هم
آمدند

۲

نوروز می‌تواند سمبلی برای راسان روژهلات باشد

سفن

نوروز،
رویش و راسان

کریم پرویزی

طبیعت با پدیده‌های متضاد و متناقض آن شناخته می‌شود، آن گاه که تاریکی و روشنایی، رویش و خشکیدن، گرمای خورشید و سرما و یخبندان، تندباد و کوهستان، حرکت و ایستایی و ... در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و ترکیبی بدیع و سرشار از نوآوری با هزاران چهره جلوه‌گر می‌شوند و زندگانی را می‌آرایند. سرمای استخوان‌سوز و یخبندان و انجماد خاک و راهبندان و کور شدن راه‌های رسیدن به آبادی‌ها، از پدیده‌هایی هستند که زمستان با آن شناخته می‌شود و طبیعت کردستان با تاریخ خاک و خلق در هم آمیخته و با این گونه رخدادها و چهره‌ها شناخته می‌شود و با تمام توان و روحیه و نیرو در برابر روزهای سخت و دشوار ایستاده و با مقاومت، زندگی را استمرار بخشیده و در نوروز با رویشی مجدد و شکوفایی و راسان، زندگی را با مبارزه در هم آمیخته است، مبارزه‌ای در راه ایجاد زندگی نوین و ابداع در تاریخ. شاید نزد بسیاری از ملت‌ها و خلق‌های دیگر عجیب به نظر بیاید که چرا سال نو در کردستان و در میان مردم کرد به جای اینکه یک جشن معمولی باشد، همواره تبدیل به جشن مبارزه و قیام و راسان شده است؟ ملت‌ها و خلق‌های جهان در سال نو جشن می‌گیرند، به شادمانی می‌پردازند و از دوستان و خانواده‌های خویش دیدار می‌کنند و سنت بازگشت به آغوش خانواده و شادی در کنار هم بودن را به جای می‌آورند. نزد ملل و خلق‌های جهان، آغاز سال نو عبارت از جشن و تعطیلی است، روند عادی کار و تلاش متوقف می‌شود و جای خود را به استراحت و تفریح می‌دهد، لیکن کردستان در نوروز به



مخاطب قرار دهیم و بگوییم که راسان روژهلات نزد همگی ما دیگر مفهوم و اصطلاحی نامأنوس و بیگانه نیست، بلکه رفته‌رفته دارد به بخشی از هویتمان تبدیل می‌شود. این شکل‌گیری هویتی در سطح مبارزات شاخ (کوهستان) نهادینه شده و روزبه‌روز مستحکمتر می‌شود... آنچه که برای شما نیز باقی می‌ماند، مسئولیت‌پذیری در قبال حیات و رهایی میهنمان است. در این زمینه ما مکمل یکدیگر خواهیم بود تا به اتفاق یکدیگر جامعه‌ای آزاد و رها را بنیان نهیم. آنچه که در سال حمایت از مبارزات کوهستان است و همزمان بایستی همگان در این راستا فعالیت کنیم که چگونه شهرهای کردستان تبدیل به گهواره و بستر اصلی مبارزه‌ی رهایی‌طلبانه‌ی ملتمان شوند."

نیز حضار با شادی و پایکوبی دسته‌جمعی به استقبال سال نو کردی و نوروز جامانه‌ها شتافتند. گفتنی است، به همین مناسبت، مصطفی هجری، دبیرکل حزب نیز پیامی منتشر نمود که در ابتدای آن آمده است: "در آستانه‌ی نوروز و فرا رسیدن سال نو، این مناسبت را به همگان شادباش می‌گوییم، نوروزی که دیگر می‌تواند سمبلی برای راسان روژهلات باشد. پارسال در چنین لحظاتی بود که از فراز کوه‌های قندیل، پیام راسان روژهلات را به شما ابلاغ نمودیم و به اطلاع رساندیم که ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران فصل نوینی از مبارزات روژهلات را آغاز می‌کنیم." دبیرکل حزب در بخش دیگری از پیام خویش خطاب به مردم مقاوم کردستان اظهار داشت: "پس از دو سال فعالیت برای به هم پیوستن مبارزات شار و شاخ، می‌خواهیم یک بار دیگر شما را

با شادی و سرور توأم بوده و همچون یک جشن ملی و نمادی از تجدید حیات و اتحاد ملی برگزار گردد و اهتزاز "جامانه و هوری" در فضای این جشن‌ها، دشمنان را مرعوب نماید. پس از بیانات آقای شرفی، ترانه‌ای توسط گروه موزیک اجرا گردید. سپس خانم ناهید حسینی، شاعر نامدار و عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران یکی از آثار خود را تحت عنوان "سه‌مای جامانه" دکلمه نمود. در بخش دیگری از مراسم، گروهی از پسران و دختران جوان مشعل به دست به سوی محل برافروختن آتش رژه رفتند. در این بخش حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب به همراه خانم چینی منبری، همسر شهید اکبر منبری و زیلا صالحی، همسر شهید رحیم عبدالله‌زاده (گرگولی) شعله‌های آتش نوروز را برافروختند. در بخش پایانی این مراسم

یکی از سمبل‌های ملی کرد به تمامی فرزندان این ملت به ویژه توده‌های مردم کردستان ایران، ابراز امیدواری نمود که سال نو، سالی سرشار از خیر و برکت برای همگان و سال گسترش بیشتر راسان و به هم پیوستن مبارزات شار و شاخ و نیرومندتر شدن جنبش کرد در کردستان روژهلات باشد و اظهار داشت: "نوروز از سمبل‌های ملت کرد است که علی‌رغم موانع و محدودیت‌هایی که زمامداران کردستیز بر سر راه برگزاری آن ایجاد می‌کنند، همه ساله شاهد برگزاری این جشن ملی در سرتاسر کردستان به گونه‌ای گسترده و دشمن‌شکن بوده‌ایم که این خود بیانگر اراده‌ی راسخ توده‌های مردم کردستان جهت پاسداشت سمبل‌های ملی کرد است." جانشین دبیرکل حزب همچنین ابراز امیدواری نمود که مراسمات نوروزی برای همگان

باز هم فروغ شعله‌های آتش نوروز، پیام رهایی و رستاخیز زندگی را در شهرها و روستاها و بر ستیغ کوهستان‌های سرکش کردستان طنین‌افکن نمود. به همین مناسبت، بعد از ظهر روز دوشنبه، ۳۰-۳۰-۳۰ اسفندماه ۱۳۹۵ خورشیدی مراسم ویژه‌ای در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران با حضور میهمانان، اعضای رهبری، کادرها، پیشمرگان و اعضای حزب و خانواده‌های آنان برگزار شد. مراسم با اجرای سرودی تحت عنوان "نوروز" از سوی گروه موزیک کمیسیون آموزش حزب آغاز گردید. سپس حسن شرفی، دبیرکل حزب دمکرات سخنانی بدین مناسبت ایراد نمود. آقای شرفی در سخنان خویش ضمن اظهار شادباش به مناسبت فرا رسیدن سال نو و جشن نوروز به عنوان

ادامه در صفحه‌ی ۲

شش سازمان سیاسی کردستان ایران در رابطه با برگزاری نوروز گرد هم آمدند



مبارزات ملی در مراسمات نوروزی تأکید به عمل آوردند. شش جریان سیاسی کردستان ایران در این نشست عبارت بودند از: حزب دمکرات کردستان ایران - رفقای پیشین - حزب کومله‌ی کردستان ایران - کومله - شاخه کردستانی حزب کمونیست ایران کومله‌ی زحمتکشان کردستان سازمان خبات کردستان

استقبال از جشن ملی نوروز بر لزوم همصدایی بیشتر و حمایت از برگزاری این جشن ملی به بهترین نحو ممکن تأکید گردید. شش حزب کردستان ایران همچنین بر اتحاد و همسویی ملت کرد، دفاع از فرهنگ و آزادی‌ها، نمایش انسجام اقشار مردم کردستان در قبال خواست‌های ملی، محافظت از محیط زیست که از جانب رژیم مورد تهدید قرار گرفته و تلاش برای برجسته نمودن سمبل‌های

شش سازمان سیاسی کردستان ایران در رابطه با چگونگی استقبال از جشن ملی نوروز گرد هم آمدند تا در رابطه با چگونگی استقبال از جشن ملی نوروز به بحث و تبادل نظر بپردازند. در گردهمایی این شش سازمان سیاسی در رابطه با چگونگی

نوروز راسان روزهاات یکساله شد

"روزهاات ناماده‌یه (روزهاات آماده است)"، آمادگی و حمایت همه‌جانبه خود را از مبارزات نوین روزهاات ابراز داشتند. سپس حزب دمکرات کردستان ایران طی نامه‌ای خطاب به مردم و سازمان‌های ایران هدف از اعلام این دور از مبارزات نوین را یکپارچه نمودن مبارزات "شار و شاخ" اعلام کرد که می‌خواهد ایده آزادی را از زیر آواری از مدل‌های مختلف بزک شده استبداد نجات دهد و دوباره به جامعه معرفی نماید. حزب دمکرات در این نامه تأکید کرد: "مبارزه حزب دمکرات کردستان ایران ماهیتاً مبارزه‌ایست برای همه ایران، برای برافراشته نگاه داشتن پرچمی که استبداد دهه‌هاست سعی در به زیر کشیدن آن دارد.

است که صدا و توان خود را در کوهستان‌ها و شهرهای کردستان برای ایجاد یک نیروی قدرتمند و سرنوشت‌ساز یکپارچه نمایم که زندگانی نوینی را به دور از زیردستی و محرومیت از حقوق برابمان رقم بزنند". آقای هجری همچنین از جوانان پرشور و ظلم‌ستیز روزهاات خواست که برای یک زندگی سرفرازانه و پشت کردن به تمامی عوامل سرافکنندگی و عقب‌افتادگی، به صفوف نیروهای پیشمرگه دمکرات کردستان ایران بپیوندند. پس از اعلام راسان روزهاات، جوانان و مردم انقلابی کردستان با شعارهایی از قبیل "چاوه‌روانی بریارین (منتظر فرمانیم)"، "بزی دیموکرات (زنده باد دمکرات)"، "چاوه‌رین پیشمرگه" (منتظریم پیشمرگه)،



هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران پیامی را بدین مناسبت خطاب به توده‌های مردم کردستان قرائت نمود. دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در این پیام اعلام کرد: "پیام ما در عید نوروز، این

کردستان ایران، اعضای رهبری، کادر و پیشمرگه، خانواده‌های حزب دمکرات و مهمانان در مقر نیروهای ویژه حزب دمکرات مستقر در کوه‌های مرزی روزهاات برگزار شد. در این مراسم، مصطفی

کردستان روزهاات می‌گذرد که طی آن حزب دمکرات کردستان ایران، مبارزات نوین روزهاات را پس از بیست سال تعلیق مبارزه‌ی مسلحانه اعلام کرد. این مراسم با حضور مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات

یک سال از برگزاری مراسم نوروز راسان روزهاات در مرزهای کردستان روزهاات و اقلیم کردستان آزاد سیری شد. امروز بیست و هشتم اسفندماه، یک‌سال از برگزاری مراسم نوروز راسان روزهاات در مرزهای

نمایندگان ملیت‌های ایران، در پارلمان سوئیس گرد هم آمدند

به تبعیض مضاعف قومی و مذهبی علیه بلوچ‌های ایران اشاره کرد و گفت: "سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی حکومت در دوره‌ی روحانی بیشتر شده است". یوسف کر از سازمان فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، با اشاره به تاریخچه جنینش مردم ترکمن و سرکوب آن توسط حکومت‌های مختلف در ایران به مسایل تبعیض در منطقه ترکمن‌صحرا از قبیل خشکاندن رودخانه‌های منطقه اشاره کرد. تیمور الیاسی، نماینده جمعیت حقوق بشر کردستان ایران در ژنو، نیز در سخنرانی خود به کشتن کولبران توسط نیروهای امنیتی و افزایش چشمگیر اعدام زندانیان سیاسی کرد در ایران پرداخت. در پایان این نشست تعدادی از نمایندگان پارلمان سوئیس با ایراد سخنانی کوتاه، خواستار قویتر شدن فشارها در مذاکرات کشورهای اروپایی با ایران در زمینه پرونده حقوق بشر و علی‌الخصوص مسأله‌ی نقض حقوق ملیت‌های تحت ستم و اقلیت‌های مذهبی شدند.

مناطق آنها و نیز به اعدام‌ها و زندان‌های طولانی‌مدت فعالین سیاسی و جوانان آنها مربوط بوده است و افکار جهانی کمترین آگاهی از تأثیرات سوء سیاست‌های تبعیض‌آمیزی که رژیم علیه این ملیت‌ها اعمال می‌کند، ندارد. این سیاست‌های تبعیض‌آمیز، خود زینوساید سفیدی است که جمهوری اسلامی به دور از چشم جهانیان در حق ملیت‌های ایرانی اعمال می‌کند". شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل نیز در نشست مزبور بر این مسأله تأکید نمود که ملیت‌های ایران همواره تحت ستم مضاعف بوده‌اند و به دلیل زبان، فرهنگ، مذهب و هویتشان مورد تبعض واقع شده‌اند. دکتر کریم عبدیان بنی‌سعید، مدیر اجرایی سازمان حقوق بشر اهواز نیز در سخنان خود در پارلمان سوئیس تأکید کرد کشورهای خاورمیانه علی‌الخصوص ایران، همواره مرکز ستم ملی و سرکوب اقلیت‌ها و به حاشیه راندن آنها بوده‌اند. مدیر اجرایی سازمان حقوق بشر اهواز همچنین

در سخنرانی خود با ارائه آمارهایی از انواع تبعیض‌ها و ستم‌های روا داشته علیه ملت کرد در کردستان ایران، گفت: "رژیم جمهوری اسلامی از بدو بدست گرفتن قدرت با قانونی کردن مذهب رسمی (شیعه ولایت فقیه‌ی) و نیز زبان رسمی (فارسی) سیاست‌های تبعیض‌آمیز و به حاشیه راندن دیگران [ملیت‌ها] را در دستور کار خود قرار داد و تاکنون تلاش‌های مداومی کرده است که این سیاست‌ها را به صورت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری پیش ببرد". آقای هجری اضافه کرد: "سیاست‌های رژیم همه ابعاد زندگی کسانی را که خارج از اعتقادات و زبان رسمی مدنظر حاکمیت هستند، طوری تحت تأثیر قرار داده که تأثیرات جوانب منفی این سیاست‌ها، بر زندگی آنان که حداقل نمی از جمعیت هشتاد میلیونی ایران را تشکیل می‌دهند، به دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران تأکید کرد: "تاکنون آنچه درباره این ملیت‌ها بحث شده، بیشتر به فضای امنیتی موجود در

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در نشست در پارلمان سوئیس در رابطه با "ملیت‌های تحت ستم و اقلیت‌های ایران" شرکت کرد. روز چهارشنبه ۸ مارس، در مقر پارلمان در شهر برن پایتخت سوئیس برگزار شد، نمایندگان احزاب ملیت‌های تحت ستم ایران و سازمان‌های حقوق بشری در سخنرانی‌های خود به نقض حقوق بشر و تبعیض رژیم ایران علیه ملیت‌های تحت ستم و اقلیت‌های مذهبی پرداختند. در آغاز این جلسه مانوئل تورناره، نماینده ژنو در پارلمان سوئیس و عضو کمیسیون اروپا که به همراه سیبیل ارسلان، نماینده حزب سبزهای سوئیس مدیریت این نشست را بر عهده داشت، گفت: "سوئیس بهترین نمونه جوامع متکثر، دمکراتیک و فدرال است که می‌تواند الگویی برای کشورهای دارای تنوع قومی، فرهنگی و زبانی و غیره باشد، چراکه همه ملیت‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌ها به رسمیت شناخته شده و به صورت فدرال امور خود را اداره می‌کنند. مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران،

جوش و خروش در می‌آید. نزد ملت کرد، نوروز انقلاب زندگی علیه طوفان مرگ است. ملت کرد پدیده‌های موهوم و نامرئی را سمبل آغاز سال نو قرار نداده، بلکه حساسترین و زیباترین فصل و مرحله، یعنی تجدید حیات طبیعت و نقطه‌ی عطف در تغییر روند چرخش زمین به دور خورشید حقیقت را نقطه‌ی نو شدن قرار داده و در رویش امیدی روشنتر، سال نو را آغاز می‌کند و سلطه‌ی سرما و یخبندان را به آتش می‌کشد. این است رمز نوروز و رویش و راسان مجدد نزد ملت کرد و تا زمانی که طبیعت زنده است و تا وقتی که نوروز پیروزمندانه برپا می‌گردد، کردستان نیز پابرجاست و سوار بر اراهه‌ی تاریخ به پیش می‌تازد. راسان و جشن نوروز و رویش جوانه‌های امید به پیروزی بر ظلمت، بر تمامی عاشقان آزادی و تمامی خانواده‌های شهیدان به ویژه شهیدان راسان روزهاات خجسته شهیدان حماسه‌های تاریخی قره‌سقل و کوسالان چشم به نوروز و راسان ما دوخته‌اند. ما نیز نوروز را به آنان تبریک می‌گوییم و بر گردنشان جامانه می‌اندازیم.

ادامه سخن

هیأت حزب دمکرات در کنگره‌ی پروگرسو آلیانس شرکت کرد



هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران در کنگره‌ی پروگرسو آلیانس در کشور آلمان شرکت کرد. طی روزهای یکشنبه و دوشنبه ۲۲ و ۲۳ اسفندماه ۱۳۹۵ خورشیدی هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران متشکل از لقمان احمدی، عضو کمیته‌ی مرکزی و مسئول روابط خارجی حزب و هیوا بهرامی، جانشین مسئول بخش روابط خارجی و نماینده‌ی حزب در آلمان و اتریش، در نخستین کنگره‌ی سازمان پروگرسو آلیانس در شهر برلین، پایتخت آلمان شرکت کرد. این کنگره تحت عنوان "تعیین آینده، برای جهانی آزاد، عادلانه و همبستگی" برگزار شد. حزب دمکرات کردستان ایران از ابتدای تأسیس این سازمان به عضویت رسمی آن درآمده و از حق رأی دادن و کاندیداتوری برای تمامی مناصب این سازمان برخوردار است. پروگرسو آلیانس در مورخه‌ی ۲۲ مه ۲۰۱۳ تأسیس گردید. کنگره‌ی این سازمان رأس ساعت ۱۲ ظهر با نشست کمیته‌ی ستیرینگ آغاز گردید. در ابتدای کنگره کنستانتین وینوف، مسئول روابط خارجی حزب سوسیال دمکرات آلمان و همچنین سازمان‌دهنده‌ی کلی پروگرسو آلیانس ضمن خیر مقدم به شرکت‌کنندگان اظهار داشت که بیش از یکصد حزب از سرتاسر جهان عضو

پروگرسو آلیانس هستند و پس از بررسی دلایل جدایی از اینترناسیونال سوسیالیست، تأکید نمود که امکان در اینترناسیونال سوسیالیست امکانی برای اصلاحات باقی نمانده و این سازمان نتوانسته است که به گونه‌ای مترقیانه با تحولات جهانی تعامل نماید. وینوف همچنین به این مسأله اشاره نمود که گرچه اینترناسیونال سوسیالیست تأثیرگذاری خود را از دست داده و مدیریت ناسالمی بر آن حکمفرماست، با این حال، دروازه‌ی اتحاد با این سازمان کاملاً مسدود نشده است. در بخشی از این کنگره نیز لقمان احمدی به نمایندگی از حزب دمکرات سخنانی ایراد نمود. احمدی در سخنان خویش مراتب خرسندی خود و حزب دمکرات را از برگزاری این کنگره ابراز نمود و به این موضوع اشاره نمود که حزب دمکرات بر این باور است که خطوط کلی سیاستی ترقیخواهانه بایستی در سیاست رسمی تمامی احزاب عملاً انعکاس یابد. نمی‌شود برخی از اعضا در پروگرسو آلیانس خطوط کلی را که بیانگر رفع دیکتاتوری و ستم و زورگویی در جهان است، تأیید کنند، لیکن همزمان برخی از احزاب به ویژه برخی از احزاب اروپایی عضو پروگرسو آلیانس تلاش کنند که بهترین روابط را با رژیم دیکتاتوری همانند جمهوری اسلامی ایران داشته باشند بدون آن که به عنوان مثال، اعتنایی

هیأتی از حزب سوسیالیست کردستان ترکیه از دفتر سیاسی حزب دمکرات دیدار کرد

هر دو طرف بر این باور بودند که در اوضاع سیاسی کنونی صرفاً با اتحاد و انسجام احزاب و سازمان‌های سیاسی کردستان می‌توان به آرمان‌های ملت کرد در هر یک از بخش‌های کردستان جامعه‌ی عمل پوشاند. در خاتمه‌ی این گفتگو، یک بار دیگر آقای حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب دمکرات مراتب خرسندی خود و هیأت حزب را از دیدار با هیأت حزب سوسیالیست کردستان ترکیه ابراز نمود و بر لزوم تداوم و تحکیم روابط میان دو حزب دوست تأکید نمودند.

به بحث و تبادل نظر در رابطه با آخرین تحولات سیاسی در ترکیه و به ویژه مسأله‌ی رفرااندوم به منظور ایجاد تغییراتی در قانون اساسی این کشور و تأثیر آن بر فرایند سیاسی و مسأله‌ی کرد در این کشور و دیدگاه‌ها و مواضع سازمان‌های سیاسی ملت کرد در کردستان ترکیه در این ارتباط پرداختند. در بخش دیگری از دیدار، تلاش‌ها و مبارزات جنبش کرد در روزها و نقش حزب دمکرات کردستان ایران در این رابطه مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. در نتیجه‌ی این تبادل نظر سیاسی و گفتگوی دوستانه،

دیدار میان هیأت‌های حزب سوسیالیست کردستان ترکیه و حزب دمکرات کردستان ایران، تحولات سیاسی مرتبط با مسأله‌ی کرد در منطقه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفتند. روز پنجشنبه ۱۹ اسفندماه ۱۳۹۵ خورشیدی برابر با ۹ مارس ۲۰۱۷ میلادی هیأتی از حزب سوسیالیست کردستان ترکیه به سرپرستی مسعود تک، دبیرکل این حزب از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار نمود و از سوی هیأتی به سرپرستی حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب مورد استقبال قرار گرفت. در این دیدار دوستانه، طرفین

هیأت حزب دمکرات در کنگره‌ی پروگرسو آلیانس شرکت کرد

و پس از بررسی دلایل جدایی از اینترناسیونال سوسیالیست، تأکید نمود که امکان در اینترناسیونال سوسیالیست امکانی برای اصلاحات باقی نمانده و این سازمان نتوانسته است که به گونه‌ای مترقیانه با تحولات جهانی تعامل نماید. وینوف همچنین به این مسأله اشاره نمود که گرچه اینترناسیونال سوسیالیست تأثیرگذاری خود را از دست داده و مدیریت ناسالمی بر آن حکمفرماست، با این حال، دروازه‌ی اتحاد با این سازمان کاملاً مسدود نشده است. در بخشی از این کنگره نیز لقمان احمدی به نمایندگی از حزب دمکرات سخنانی ایراد نمود. احمدی در سخنان خویش مراتب خرسندی خود و حزب دمکرات را از برگزاری این کنگره ابراز نمود و به این موضوع اشاره نمود که حزب دمکرات بر این باور است که خطوط کلی سیاستی ترقیخواهانه بایستی در سیاست رسمی تمامی احزاب عملاً انعکاس یابد. نمی‌شود برخی از اعضا در پروگرسو آلیانس خطوط کلی را که بیانگر رفع دیکتاتوری و ستم و زورگویی در جهان است، تأیید کنند، لیکن همزمان برخی از احزاب به ویژه برخی از احزاب اروپایی عضو پروگرسو آلیانس تلاش کنند که بهترین روابط را با رژیم دیکتاتوری همانند جمهوری اسلامی ایران داشته باشند بدون آن که به عنوان مثال، اعتنایی به مبارزات و کوشش‌های ملت کرد در کردستان ایران برای نیل به حقوقشان

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران در کنگره‌ی پروگرسو آلیانس در کشور آلمان شرکت کرد. طی روزهای یکشنبه و دوشنبه ۲۲ و ۲۳ اسفندماه ۱۳۹۵ خورشیدی هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران متشکل از لقمان احمدی، عضو کمیته‌ی مرکزی و مسئول روابط خارجی حزب و هیوا بهرامی، جانشین مسئول بخش روابط خارجی و نماینده‌ی حزب در آلمان و اتریش، در نخستین کنگره‌ی سازمان پروگرسو آلیانس در شهر برلین، پایتخت آلمان شرکت کرد. این کنگره تحت عنوان "تعیین آینده، برای جهانی آزاد، عادلانه و همبستگی" برگزار شد. حزب دمکرات کردستان ایران از ابتدای تأسیس این سازمان به عضویت رسمی آن درآمده و از حق رأی دادن و کاندیداتوری برای تمامی مناصب این سازمان برخوردار است. پروگرسو آلیانس در مورخه‌ی ۲۲ مه ۲۰۱۳ تأسیس گردید. کنگره‌ی این سازمان رأس ساعت ۱۲ ظهر با نشست کمیته‌ی ستیرینگ آغاز گردید. در ابتدای کنگره کنستانتین وینوف، مسئول روابط خارجی حزب سوسیال دمکرات آلمان و همچنین سازمان‌دهنده‌ی کلی پروگرسو آلیانس ضمن خیر مقدم به شرکت‌کنندگان اظهار داشت که بیش از یکصد حزب از سرتاسر جهان عضو پروگرسو آلیانس هستند

و پس از بررسی دلایل جدایی از اینترناسیونال سوسیالیست، تأکید نمود که امکان در اینترناسیونال سوسیالیست امکانی برای اصلاحات باقی نمانده و این سازمان نتوانسته است که به گونه‌ای مترقیانه با تحولات جهانی تعامل نماید. وینوف همچنین به این مسأله اشاره نمود که گرچه اینترناسیونال سوسیالیست تأثیرگذاری خود را از دست داده و مدیریت ناسالمی بر آن حکمفرماست، با این حال، دروازه‌ی اتحاد با این سازمان کاملاً مسدود نشده است. در بخشی از این کنگره نیز لقمان احمدی به نمایندگی از حزب دمکرات سخنانی ایراد نمود. احمدی در سخنان خویش مراتب خرسندی خود و حزب دمکرات را از برگزاری این کنگره ابراز نمود و به این موضوع اشاره نمود که حزب دمکرات بر این باور است که خطوط کلی سیاستی ترقیخواهانه بایستی در سیاست رسمی تمامی احزاب عملاً انعکاس یابد. نمی‌شود برخی از اعضا در پروگرسو آلیانس خطوط کلی را که بیانگر رفع دیکتاتوری و ستم و زورگویی در جهان است، تأیید کنند، لیکن همزمان برخی از احزاب به ویژه برخی از احزاب اروپایی عضو پروگرسو آلیانس تلاش کنند که بهترین روابط را با رژیم دیکتاتوری همانند جمهوری اسلامی ایران داشته باشند بدون آن که به عنوان مثال، اعتنایی به مبارزات و کوشش‌های ملت کرد در کردستان ایران برای نیل به حقوقشان

بیانیه‌ی دفتر سیاسی

حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با ۸ مارس، روز جهانی زن

ضمن حمایت از حقوق و آزادی‌های زنان و شادباش به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن بر اعتقاد همیشگی خود به حقوق و آزادی‌های زنان و برابری زن و مرد در خانواده و جامعه تأکید نموده و در پیمودن مسیر دشوار رفع هر گونه ستم و تبعیض، حامی و پشتیبان زنان مبارز ایران و کردستان در راه دستیابی به حقوقشان خواهد بود. یک بار دیگر، ۸ مارس بر تمامی زنان جهان خجسته باد.

تلاش و مبارزه در راستای حق، آزادی و برابری در خانواده و جامعه باز نمی‌ایستند، در تداوم مبارزات و تلاش‌هایشان موفق و پیروز باشند. به ویژه زنان کردستان و ایران که تحت سلطه‌ی ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران، ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌هایشان نقض شده و در روند کوشش‌های آنان در تقابل با بی‌عدالتی و در راه احقاق حقوق انسانیشان، با بازداشت، شکنجه و محرومیت از تحصیل و کار مواجه می‌شوند و هر گونه بحث از حقوقشان نیز به عنوان نشانی از مخالفت با حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی قلمداد می‌گردد. حزب دمکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با ۸ مارس، روز جهانی زن بیانیه‌ی منتشر نمود. متن این بیانیه به شرح زیر است: فرا رسیدن ۸ مارس، روز جهانی زن را به تمامی زنان جهان، ایران و به ویژه کردستان شادباش می‌گوییم. امیدواریم همان گونه که زنان در برخی از کشورها به حقوق و آزادی‌هایشان و برابری و عدالت دست یافته و در هشتم مارس یاد پیروزی و تحقق آرمان‌هایشان را گرامی می‌دارند، این بخش از زنان نیز که همچنان تحت شرایط نابرابر و بی‌حقوقی روزگار می‌گذرانند، لیکن از

هیأتی از حزب دمکرات در مراسم یادبود محمد ملا کریم شرکت کرد

ملا عبدالکریم مدرس بود. وی در سال ۱۹۳۱ در منطقه‌ی هورامان دیده به جهان گشود. نامبرده شخصیتی خوشنام و نویسنده‌ای برجسته بود که دوستی و مودت عمیقی میان وی و رهبران شهید ملت کرد، زنده‌یادان دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی برقرار بود. درگذشت و فقدان ایشان ضایعه‌ی عظیمی بر پیکر ادبیات ملت کرد بود.

در شهر سلیمانیه به مناسبت درگذشت استاد محمد ملا کریم برگزار شده بود، شرکت کرد. طول عمر پر بار استاد محمد ملا کریم ۸۶ سال بود. وی در طول زندگانی خود خدمات ارزنده‌ای به زبان و ادبیات کردی نمود و تأثیر بسزایی در ادبیات کردی بر جای گذاشت. استاد محمد ملا کریم، فرزند عالم و ادیب فرزانه‌ی کرد، زنده‌یاد

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی محمد نظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب در مراسم یادبود استاد محمد ملا کریم شرکت کرد. روز یکشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۳۹۵ خورشیدی، هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی محمد نظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب در مراسمی که

حزب دمکرات کردستان ایران دفتر سیاسی ۷ مارس ۲۰۱۷ میلادی ۱۷ اسفند ۱۳۹۵ خورشیدی

مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران: پیشمرگه نشان داد که هیمنه‌ی جمهوری اسلامی، کاذب است



که راسان روزها نزد همگی ما دیگر مفهوم و اصطلاحی نامأنوس و بیگانه نیست، بلکه رفته‌رفته دارد به بخشی از هویتمان تبدیل می‌شود. این شکل‌گیری هویتی در سطح مبارزات شاخ (کوهستان) نهادینه شده و روزبه‌روز مستحکمتر می‌شود، لیکن از سوی دیگر مبارزات شهری نیازمند توجه و تقویت بیشتر است. این روند تقویت، یکایک افراد جامعه را در بر می‌گیرد. آنچه که بر عهده‌ی ماست، اثبات حمایتان به عنوان پیشمرگه و حزب است تا به شما بگوییم که تنها یاران نخواهیم گذاشت. آنچه که برای شما نیز باقی می‌ماند، مسئولیت‌پذیری در قبال زندگی و رهایی میهنان است. در این زمینه ما مکمل یکدیگر خواهیم بود تا به اتفاق یکدیگر جامعه‌ای آزاد و رها را بنیان نهیم. آنچه که در سال آینده برای ما اهمیت دارد، تداوم حمایت از مبارزات کوهستان است و همزمان بایستی همگان در این راستا فعالیت کنیم که چگونه شهرهای کردستان تبدیل گهواره و بستر اصلی مبارزه‌ی رهایی‌طلبانه‌ی ملتمان شوند. ما با این معنا و مضمون، جشن نوروز سال ۱۳۹۶ را به تمامی اعضای خانواده‌های شهیدان مبارزاتمان در راه رهایی، کادرها، پیشمرگه‌ها، هواداران حزمان و جوانان هوشیار و آگاه روزها نزد همگی کردستان نموده و می‌گوییم:

پیروز باد روزها نزد

توان آن را ندارند که پیشمرگه باشند، حداقل می‌توانند نسبت به حقوق خویش حساس و مسئولیت‌پذیر باشند. در اینجا هدف رساندن این پیام است که مبارزه برای رهایی و مبارزات ملی به معنای ترک دنیا نیست، در همان حال، در مبارزه‌ای که ریشه در جنبش‌های شهری داشته باشد، عقب‌نشینی و یا پس کشیدن امکان ندارد، بلکه تبدیل به مبارزه‌ای می‌گردد که برای همیشه به حیات خود ادامه خواهد داد. خواه در حال کشمکش با جمهوری اسلامی باشد و خواه هر حکومت دیگری. در اینجا بنا نهادن اراده مهم است، بنا نهادن اراده‌ای که انسان کرد در جای جای زندگی شهری که قرار داشته باشد، آن را احساس کند و به این حقیقت برسد که زندگی و کرد بودن، حق اوست و می‌تواند روزانه برای آن فعالیت و تلاش نماید. البته تا رسیدن به چنان سطحی که جامعه‌ی ما از چنین توانی برخوردار گردد، راه دور و درازی در پیش داریم، لیکن مهم این است که اگر توانایی‌های خویش را در عرصه‌ها و سطوح مختلف بشناسیم و بنگریم که چه توانایی انسانی نیرومندی در روزها نزد وجود دارد، آن گاه به این باور می‌رسیم که بایستی وارد عرصه‌ی کار مشترک شویم و آن را تبدیل به واقعیت کنیم، واقعیتی که عملاً روزها نزد تبدیل به نیرویی تأثیرگذار نماید. مردم مقاوم کردستان! پس از دو سال فعالیت برای به هم پیوستن مبارزات شار و شاخ، می‌خواهیم یک بار دیگر شما را مخاطب قرار دهیم و بگوییم

ما را گرد هم می‌آورد. جامعه‌ی رهایی‌طلب روزها نزد بایستی تبدیل به کانون و مهد همزیستی سیاست‌ها، فرهنگ‌ها و هویت‌های گوناگون شود، یعنی همان کانونی که هم توانایی‌های ملت کرد را اثبات می‌کند و هم تعبیری بر شکل‌گیری یک کيان دمکراتیک گردد، یعنی همان جایی که بایستی از امروز برای تشکیل آن کار کنیم. به دنبال حماسه‌آفرینی‌های فره‌سقل و کوسالان، انگاره‌هایی در کردستان ایران جلوه نمودند که همگی آنان حاکی از این بودند که مبارزات کوهستان توانسته است پیام خود را به شهر برساند، همزمان نیز مشارکت مردم به تناسب توان آنان در مبارزات کوهستان و استقبال آنان از فراخوان ما در سالروز ترور رهبر بزرگمان دکتر قاسملو نشان داد که شهرهای روزها نزد کانون نسل آماده‌ای هستند که می‌داند چگونه جمهوری اسلامی را زیر سؤال ببرد. از سوی دیگر، نوعی از مقاومت مدنی در شهرهای کردستان سربرآورد که همگی حامل یک پیام بودند و آن نیز برجسته نمودن اراده‌ی توده‌های مردم کردستان در مقابله با اشغالگر بود. در عین حال، نباید از یاد برد که چگونه مردم از نیروهای پیشمرگه استقبال نمودند و در مواقع ضروری حاضر شدند به هر قیمتی به آنان کمک کنند. آنچه که در مبارزات روزها نزد اهمیت دارد، به این مسأله باز می‌گردد که از نگاه ما کرد بودن تنها در وجود پیشمرگه و نیروی مقاومت خلاصه نمی‌شود، بلکه دربردارنده‌ی این معناست که اگر اکثریت مردم

حضور صرفاً یک شعار نیست، پیشمرگه به عنوان سمبل و آیینی هویت ملت کرد، همراه شماسست. پیشمرگه به عنوان یک آغاز، نمادی بود بر این که راسان روزها نزد، قافله‌ای است که بایستی تبدیل به واقعیت شده و این روحیه را به جامعه ببخشد که بتواند موجودیت خویش را از آن استنباط کند. از خودگذشتگی پیشمرگه‌های روزها نزد در مدت دو سال اخیر توانست بسیاری از موضوعات را بر ایمن روشن کند، از جمله: نخست این که فرزندان کردستان هم‌اینک نیز حاضرند بهایی رهایی خود را بپردازند. دوم این که پیشمرگه ثابت نمود که هیمنه‌ی جمهوری اسلامی، پنداری نادرست و بی اساس است. سوم این که پیشمرگه تصمیم گرفته است که در کنار ملت و میهنش باشد و این بیانگر یک استراتژی درازمدت و نه موقتی است. به موازات مبارزات کوهستان که پیشمرگه آن را نمایندگی می‌کند، مبارزات شهری نیز نزد حزب دمکرات از اهمیت برخوردار است. در این زمینه گرچه ما هنوز در ابتدای راه به سر می‌بریم، لیکن دارای جامعه‌ی زنده و پویایی هستیم که نیازمند منجی و رهاننده نیست، بلکه تلاشمان این است که به اتفاق یکدیگر به مبارزات شهر معنا ببخشیم. ما تصمیم نگرفته‌ایم که برای شما در مبارزات شهرها دستورالعمل صادر کنیم، بلکه این عرصه متعلق به همگی ماست و به اتفاق یکدیگر برای معنا بخشیدن به آن تلاش می‌کنیم. مبارزات شهری جایی است که همگی

نوروز گذشته اعلام نمود، به هم پیوستن مبارزات شار و شاخ (شهر و کوهستان) بود. یعنی مبارزه‌ای که صرفاً مربوط به پیشمرگه نیست، بلکه جوهره و محور اصلی آن، شهر و جنبش‌های شهری کردستان ایران است. ما به این باور رسیده‌ایم که در سرتاسر گستره‌ی کردستان ایران از لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، دگرگون شده است. تغییراتی که تصویر دیگری از جامعه‌ی کردستان را به ما نشان می‌دهند. به درازای تاریخ، سنگینی بار مبارزه، بیشتر بر دوش پیشمرگه بوده است، یعنی پیشمرگه تمامی هزینه‌های مبارزه را پرداخته و مردم نیز به عنوان رهایی‌بخش بدان نگرسته‌اند. لیکن ما بر این باوریم که این طرز فکر مولد نوعی فرهنگ انتظار است و شهر و جنبش‌های آن نمی‌توانند نقش و توانایی خویش را نشان دهند. به همین دلیل، ما بر این باوریم که در این مبارزه نیازمند دو رکن و ستون اساسی هستیم: یک از این دو ستون، پیشمرگه است که بایستی همچون پشتیبان توده‌های مردم کردستان ایفای نقش کند و با وجود پیشمرگه، شهر نیز نباید احساس تنهایی کند و بایستی به مبارزه در راه رهایی و تحقق آزادی‌هایش ادامه دهد. در اینجا، پیشمرگه نیرویی است که از حرکت‌ها و توانایی‌های مردم در مقابله با استبداد رژیم دفاع می‌کند. شهر نیز کانونی است که بایستی تبدیل به بخشی از سیاست در خاور سرزمینمان گردد. ما این مبارزه را با پیشمرگه آغاز کردیم تا به جامعه ثابت کنیم که حضور داریم و این

مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت فرارسیدن نوروز و سال نو خورشیدی، پیامی خطاب به مردم کردستان منتشر نمود. متن این پیام به شرح زیر است: گرامی! مردم مقاوم کردستان! در آستانه‌ی نوروز، فرا رسیدن سال نو را به شما شادباش می‌گوییم، نوروزی که دیگر می‌توان از آن به عنوان سمبل راسان روزها نزد یاد کرد. در چنین روزها و لحظاتی بود که پارسال در ارتفاعات قنبدیل پیام راسان روزها نزد را به شما ابلاغ نمودیم و به اطلاع رساندیم که ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران، فصل نوینی از مبارزه را در کردستان ایران آغاز می‌کنیم. لیکن نگفتیم که این تنها پیشمرگه و حزب دمکرات هستند که تمامی مسئولیت چنین مبارزه‌ی را به عهده خواهند گرفت، بلکه همگی ما وارد برهه‌ی تازه‌ای از حیات جنبشی رهایی‌طلبانه در تاریخ ملتمان خواهیم شد. بدیهی است که پیام ما با خوانش‌های متفاوتی روبه‌رو گردید. برخی جریان‌ها بر این باور بودند که حزب دمکرات قادر به رویارویی با جمهوری اسلامی نخواهد بود یا حضور نیروی پیشمرگه در میان مردم نمی‌تواند پاسخگو باشد، لیکن رویدادها و تحلیل‌های مربوط به این موضوع در دو سال اخیر این واقعیت را به اثبات رساند که نه ما نیرویی هستیم که جمهوری اسلامی بتواند آن را به زانو دریاورد و مبارزه‌ی پیشمرگه محدود می‌شود. آنچه که حزب دمکرات در

مصطفی هجری، دبیر کل حزب در نشست پارلمان سوییس: تبعیض علیه ملیت‌های تحت ستم به آستانه خطرناکی رسیده است



با در نظر گرفتن سطوح سه‌گانه، سطح توسعه انسانی در مجموع کلی، استان سنندج در ردیف ۲۹ کشور قرار گرفته است (۳). استان سنندج همچنین از نظر اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. متأسفانه به دلیل سیاست‌های تبعیض‌آمیز رژیم در کردستان، میانگین سطح دسترسی به یک زندگی آبرومندانه سیر نزولی دارد و به صورت آشکار این استان میان اکثریتی از بینوایان و اقلیتی از متمکنین با نفوذ تقسیم شده است. بر اساس آمارهای امور اجتماعی استان سنندج، نرخ میزان طلاق در این استان به حد خطرناکی رسیده است. مدیر دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استان سنندج در یک گفتگو چنین می‌گوید: "بیکاری و اعتیاد به مواد مخدر از مهمترین دلایل جدایی و طلاق در میان خانواده‌های استان سنندج است". این تنها اشاره کوتاهی به وضعیت کردستان ایران است که بر اثر تبعیضات در معرض آسیمیلاسیون رژیم ایران قرار دارد و جهانیان هم در مقابل آن سکوت کرده‌اند.

منابع
۱- زاهدی، ۱۳۹۴ و بسایت سازمان مدیریت استان سنندج
۲- آشنانگر، ۱۳۹۵، خبر مرکز کردستان
۳- مرکز آمار ایران برای سال ۲۰۱۱

کندی پیش می‌رود و از نظر بُعد اقتصادی، موانع زیادی بر سر راه توسعه این استان قرار گرفته است. مردم استان سنندج توان اقتصادیشان بسیار ضعیف است و در تأمین معاش خود دچار گرفتاری‌های زیادی هستند. به گفته علیرضا آشنانگر، معاون سیاسی و امنیتی استانداری سنندج، وضعیت راه‌های استان نسبت به دیگر مناطق ایران قابل مقایسه نیست و برای توسعه وضعیت جاده‌های این استان نیاز به تلاش جدی هست، این مسئول در بخش دیگری از اظهارات خود اشاره به این واقعیت می‌کند که استان سنندج از نظر بزرگراه‌ها، اتوبان‌ها، راه آهن و فرودگاه‌ها (غیر از فرودگاه سنندج) محروم است (۲). مقایسه‌ی استان سنندج (همچون نمونه‌ای از چهار استان کردستان) با برخی دیگر از استان‌های ایران، وضعیت مخاطره‌آمیز این استان کردستان را به وضوح نشان می‌دهد که علیرغم وسعت آن، سیاست‌های تبعیض‌آمیز حکومت علیه کردستان را آشکار می‌سازد. در سال ۲۰۱۵ میلادی بودجه‌ی عمرانی استان سنندج در مقایسه با میانگین ۱۶ درصد کشوری ۴/۱۳ بوده است. همچنین بر طبق رده‌بندی‌های آمار توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۱ سطح امید به زندگی استان سنندج در میان استان‌های ایران در ردیف ۲۷ است و سطح آموزشی استان در ردیف ۲۹ و همچنین سطح درآمد و توان خرید در ردیف ۲۸ است.

سطح درآمد سالانه و عدم مشارکت دادن کردها در سطوح عالی اداره کشور باعث شده است که مناطق کردنشین از سه فاکتور توسعه انسانی محروم مانده و در پایینترین سطح باشند و در حاشیه قرار گیرند. بر طبق همان آمار، در مدت این ده سال سطح بیکاری و عدم مشارکت دادن کردها در سطوح عالی مدیریتی کشور و همچنین پایین بودن درآمد سالانه، نشانه این است که مناطق کردنشین یعنی چهار استان کردستان به شیوه‌ای سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده به حاشیه رانده شده‌اند و در نتیجه در حد پایینترین سطح یعنی درجه خطرناک قرار گرفته‌اند که این خود اساساً می‌تواند راه را برای اعتراضات هموار کند که خود سوق دادن مراکز بحران به کردستان است تا بتوانند بهانه لازم را برای سرکوب مردم و اتهامات مختلفی همچون زدن برجسب ارتباط با اسرائیل، اقدام علیه امنیت ملی و ضد انقلاب و... به قصد محکوم کردن آنها به حکم‌های سنگین فراهم کنند. بر طبق آمارهای همه نهادهای رژیم و پژوهش‌های مسئولین، این استان یکی از محرومترین استان‌های ایران است و بر طبق درجه‌ی توسعه انسانی یونسکو، در آخرین پله‌ی توسعه انسانی در بین استان‌های ایران قرار دارد. عبدالمحمد زاهدی، استاندار سنندج در جلسه بخشداران استان در اوایل سال ۲۰۱۶ به صراحت اعلام کرد: "در سال‌های اخیر به دلایل مختلف توسعه استان سنندج بسیار به

بیان آنها ضعیفتر باشد و این امر باعث احساس عدم اعتماد بنفس آنها در حین صحبت کردن به زبان فارسی می‌شود. این مشکل باعث می‌شود که بعضی از خانواده‌ها برای اینکه کودکان آنها در بزرگسالی کودکان با این مشکل مواجه نشوند در خانواده با کودکان خود فارسی صحبت کردن را شروع کنند که این خود آغاز فاجعه دیگری است که همان ذوب شدن در فرهنگ و زبان فارسی (آسیمیلاسیون) است که هدف نهایی رژیم می‌باشد. فاکتورهای توسعه انسانی (**Human Development Index**) که شامل سه فاکتور زندگی طولانی سالم، دسترسی آزاد به علم و دانش و سطح زندگی مناسب، نشان می‌دهد که در چهار استان کردستان توسعه انسانی در چه سطحی است. هر چند که سطح توسعه انسانی در کردستان و در کل ایران، با کشورهای پیشرفته قابل قیاس نیست، لذا این مقایسه با دیگر استان‌های ایران انجام می‌گیرد. بر طبق آمار نه چندان درست و پر ابهام مرکز آمار ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ مناطق کردنشین ایران یعنی چهار استان کرمانشاه، ایلام، سنندج و ارومیه (آذربایجان غربی) از نظر بیکاری و درآمد سالانه و مشارکت در سطوح عالی اداره کشور در پایینترین سطح جدول رده‌بندی هستند که تنها از دو استان بلوچستان و کهگیلویه بالاتر هستند. همچنان که مشخص است، به دلیل بالا بودن آمار بیکاری، پایین بودن

عمومی جهانی کمترین آگاهی را نسبت به تأثیرات سوء سیاست‌های تبعیض‌آمیزی دارد که رژیم علیه این ملیت‌ها اعمال می‌کند که این خود ژینوساید سفیدی است که جمهوری اسلامی به دور از چشم جهانیان در حق آنها اعمال می‌کند. ممنوعیت تحصیل به زبان مادری تنها به این امر ختم نمی‌شود که کودک به جای زبان مادری، زبان دیگر (فارسی) را می‌آموزد. بلکه مقصود اصلی برنامه است که رژیم با آن سیاست‌های یکسان‌سازی را اعمال می‌کند. کودکان کرد هنگامی که از حق تحصیل به زبان خودشان محروم می‌شوند، تاریخ ملت خود را تنها از منابع فارسی‌ای دریافت می‌کنند که مراکز و نویسندگان مد نظر رژیم برای آنها انتخاب کرده‌اند. تاریخی مسخ شده، لبریز از اطلاعات غلط و دور از واقعیت که ذهن کودکان را گام به گام در جهتی هدایت کند که از تاریخ ملی خودشان بیزار شوند. از بُعد فرهنگی هم چنین است. با وجود همه این ناهنجاری‌ها، زبان فارسی این کودکان کامل نیست، چرا که از بدو تولد تا شروع تحصیل در محیط خانواده با زبان مادری رشد کرده‌اند و زبان فارسی را از سن ۵-۶ سالگی می‌آموزند، در عوض کودکان فارس‌زبان همسنگ کودکان کرد از ابتدا با زبان فارسی پرورش یافته‌اند و ۵-۶ سال از آنان جلوتر هستند. همین امر باعث می‌شود که کودکان کرد لهجه داشته باشند و این خود توان

روز چهارشنبه ۸ مارس ۲۰۱۷ میلادی برابر با ۱۸ اسفند ۱۳۹۵ خورشیدی، مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در نشست پارلمان سوییس با موضوعیت "ملیت‌های تحت ستم و اقلیت‌های ایران" شرکت کرد. در یکی از پانل‌های این نشست، دبیرکل حزب به ایراد سخنرانی در رابطه با موضوع مورد بحث پرداخت که متن کامل بیانات ایشان در این نشست، ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی کردستان می‌گذرد: رژیم جمهوری اسلامی از بدو بدست گرفتن قدرت با قانونی کردن مذهب رسمی (شیعه) ولایت فقیه‌ی و نیز زبان رسمی (فارسی) سیاست‌های تبعیض‌آمیز و به حاشیه راندن دیگران [ملیت‌ها] را در دستور کار خود قرار داد و تاکنون تلاش‌های مداومی کرده است که این سیاست‌ها را به صورت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری به پیش ببرد. این سیاست‌ها همه ابعاد زندگی کسانی را که خارج از اعتقادات و زبان رسمی مد نظر حاکمیت هستند، طوری تحت تأثیر قرار داده است که جوانب منفی این سیاست‌ها بر آنان که حداقل نیمی از جمعیت هشتاد میلیونی ایران را تشکیل می‌دهند، به مرحله خطرناکی رسیده است. تاکنون آنچه راجع به این ملیت‌ها بحث شده است، بیشتر به فضای امنیتی در مناطق آنها و نیز به اعدام‌ها و زندان طولانی‌مدت فعالین سیاسی و جوانان آنها بوده است و افکار

آینده کردها از روزنه نوروز



البرز روئین تن

م: فافز مولودی

و مشکلات. در کردستان تحت سلطه‌ی ایران وضعیت پیچیده‌تر از بخش‌های دیگر کردستان است، چرا که چهارده میلیون نفر برای پایان دادن به روزگار حقارت و زیردستی، در انتظار قدم‌های مبارزان خود هستند که مژده آن هم در نوروزی که گذشت به گوش آنها رسید. بنابراین تحلیل رویدادهای آینده قبل از نوروز به این معنا که در این بهار چه میزان از خواست‌های مردم برآورده می‌شود، در نوع خود مهم است. کردستان شمالی سال‌ها که گذشت سالی پر از رویدادهای ناخوشایند برای بخش شمالی کردستان بود. برای اینکه در این سال نه تنها قدمی به اهدافمان نزدیک، بلکه دورتر هم شدیم. در حال حاضر ترکیه که بسوی قانون اساسی و سیستم تازه‌ای قدم برمی‌دارد، چگونگی مبارزه کردها به نوع خود مهم است، اما چند واقعیت آشکار بدون شک و تردید وجود دارد، از جمله وضعیت حل و فصل و آشتی بیشتر می‌تواند کردها را به رسیدن به حقوقشان نزدیکتر کند ولی اگر برعکس آن باشد دورتر. هر چند در سالی که گذشت بیشتر برای کردها آشکارتر شد و موضوعی که کردها باید بیشتر به آن اهمیت بدهند اینست که دوباره زمینه را برای این شیوه مبارزه فراهم کنند، ولی اگر در چهارچوب تلاش‌های ترک‌های چیگرا باقی بمانند، نه تنها خدمتی به ملت کرد نکرده‌اند، بلکه بیشتر کردها را به سوی جنگ و ویرانی کشانده‌اند که نتیجه آن برای کردها خوب نخواهد بود و کردها به احزاب و سازمان‌های سیاسی ترک بیشتر نزدیک می‌شوند. چیزی که اینجا اهمیت دارد، مبارزات دیگر احزاب است که طرز تفکرشان متمایز از ب.ک.ک می‌باشد. اگر آنها بتوانند خود را با اوضاع و شرایط موجود تطبیق دهند و کردها را به خود جذب کنند، بدون تردید از لحاظ بینش ب.ک.ک و دولت، سخت خواهد بود. ولی اگر متد و راه و روش مبارزه‌ای نوین و مدرن را در پیش بگیرند، می‌توانند

و مشکلات. در کردستان تحت سلطه‌ی ایران وضعیت پیچیده‌تر از بخش‌های دیگر کردستان است، چرا که چهارده میلیون نفر برای پایان دادن به روزگار حقارت و زیردستی، در انتظار قدم‌های مبارزان خود هستند که مژده آن هم در نوروزی که گذشت به گوش آنها رسید. بنابراین تحلیل رویدادهای آینده قبل از نوروز به این معنا که در این بهار چه میزان از خواست‌های مردم برآورده می‌شود، در نوع خود مهم است. کردستان غربی سال‌ها که گذشت سالی پر از رویدادهای ناخوشایند برای بخش غربی کردستان بود. برای اینکه در این سال نه تنها قدمی به اهدافمان نزدیک، بلکه دورتر هم شدیم. در حال حاضر ترکیه که بسوی قانون اساسی و سیستم تازه‌ای قدم برمی‌دارد، چگونگی مبارزه کردها به نوع خود مهم است، اما چند واقعیت آشکار بدون شک و تردید وجود دارد، از جمله وضعیت حل و فصل و آشتی بیشتر می‌تواند کردها را به رسیدن به حقوقشان نزدیکتر کند ولی اگر برعکس آن باشد دورتر. هر چند در سالی که گذشت بیشتر برای کردها آشکارتر شد و موضوعی که کردها باید بیشتر به آن اهمیت بدهند اینست که دوباره زمینه را برای این شیوه مبارزه فراهم کنند، ولی اگر در چهارچوب تلاش‌های ترک‌های چیگرا باقی بمانند، نه تنها خدمتی به ملت کرد نکرده‌اند، بلکه بیشتر کردها را به سوی جنگ و ویرانی کشانده‌اند که نتیجه آن برای کردها خوب نخواهد بود و کردها به احزاب و سازمان‌های سیاسی ترک بیشتر نزدیک می‌شوند. چیزی که اینجا اهمیت دارد، مبارزات دیگر احزاب است که طرز تفکرشان متمایز از ب.ک.ک می‌باشد. اگر آنها بتوانند خود را با اوضاع و شرایط موجود تطبیق دهند و کردها را به خود جذب کنند، بدون تردید از لحاظ بینش ب.ک.ک و دولت، سخت خواهد بود. ولی اگر متد و راه و روش مبارزه‌ای نوین و مدرن را در پیش بگیرند، می‌توانند

کردستان جنوبی در جنوب کردستان وضعیت به گونه‌ای دیگر است. آن گونه که برای تشکیل کابینه‌ای جدید، چهار سال قبل تلاش نمودند تا حکومتی متشکل از تمامی احزاب به وجود بیاورند تا با این کار بهتر بتوانند در راستای سیاستی ملی و میهنی گام بردارند، هر چند برای تشکیل چنین حکومتی که همگی احزاب برنده انتخابات در آن سهیم باشند، زمان و تلاش و کوشش زیادی صرف شد، اما اکنون به خوبی روشن است که این تر نه تنها درست از آب درنیامد، بلکه مشکلات زیادی هم به بار آورد. در همین راستا در بهار امسال و از این به بعد انتظار حاکمیتی تک‌حزبی می‌رود تا بتوانند در مورد مسأله‌ی استقلال کردستان قدم‌های بیشتری بردارند. اکنون مهمترین مباحث در کردستان، مسأله استقلال و مشکلات داخلی آن است، به این جهت اعلام استقلال و حل مشکلات آن لازمه در پیش گرفتن سیاستی موفق در داخل کردستان است. چون هر دو مسأله (استقلال و حل مشکلات داخلی) به مسائل و اختلافات داخلی بستگی دارد. ولی یکی از مهمترین خطراتی که این بخش از کردستان را تهدید می‌کند، مخصوصاً بعد از جنگ داعش، چگونگی روبرو شدن با نیروهای حسد شیعی وابسته به سپاه پاسداران خواهد بود. ایران بعد از این که از طریق دخالت‌های مستقیم خود نتوانست به اهدافش برسد، از طریق این نیروی نظامی می‌خواهد به هدف‌های خود برسد. بنابراین هر چقدر که به اهدافمان نزدیکتر می‌شویم، به همان اندازه هم خطرات بزرگی کردستان را مورد تهدید قرار می‌دهد، به این جهت برای دفاع از این تهدیدها علاوه بر وجود سیاست داخلی، مشروط بر این است که همکاری و پشتیبانی ابرقدرت‌ها یا بخشی از معادلات سیاسی منطقه بر ضد ایران باشد. کردستان اکنون یکی از هم‌پیمانان دولت ترامپ، ترکیه و کشورهای خلیج

می‌باشد. چیزی که همه کردها از احزاب و مردم کردستان انتظار دارند، اینست که بعد از فروپاشی جمهوری کردستان در مه‌باد، هیچ وقت کردها به این اندازه به تصمیم‌گیری در مورد حق تعیین سرنوشت خود نزدیک نشده‌اند، خواستار آمدن بهار آزادی و استقلالند. کردستان شرقی این بخش از کردستان که زیر سلطه وحشی‌ترین قدرت منطقه قرار دارد، مستلزم بیشترین تلاش و کوشش است تا بتوانیم به اهدافمان نزدیک شویم و این کار هم غیر ممکن نیست. بهترین دلیل برای اثبات این حرف به وجود آمدن شور و شوق و احساسات در بین مردم پس از آغاز مبارزات نوین حزب دمکرات تحت عنوان راسان است که اگر بخواهیم نتیجه‌ی آن را لمس کنیم، چند حرکت و قدمی الزامیست. شاید بخشی از این حرکت‌ها شروع شده‌اند، ولی برای این که بهار امسال بتواند بیشترین تأثیر خود را داشته باشد، هنوز قدم‌های زیادی مانده که از جمله‌ی آنها، تقویت و گسترش راسان است تا از عهدت برداشتن بار سنگین رسالت خود به نحو احسن برآید. از همین رو، کنگره‌ی آتی حزب دمکرات کردستان ایران بیشترین اهمیت را دارد، زیرا راسان را رهبری و مدیریت می‌کند. متمر ثمر بودن این کنگره به عنوان الزامی فوری و مهم خود را نشان می‌دهد. مهم مشکلات به نحو احسن مورد بحث و گفتگو قرار گیرد و به شیوه‌ای علمی و انقلابی برای حل مشکلات راه حل مناسب در پیش گرفته شود، لیکن تنها شناسایی و بحث کردن از این مشکلات نمی‌تواند در پیشبرد راسان تأثیرگذار باشد. اهمیت و حساسیت این کنگره موجب می‌شود که تلاش کنیم نه تنها به گذشته برنگردیم، بلکه با بینشی مدرن و پیشرفته با در نظر گرفتن تجربیات گذشته، بهترین و تأثیرگذارترین راه را انتخاب کنیم. بنابراین چنین راهی می‌تواند در کردستان

تأثیرگذار باشد. درست است که احزاب دیگری نیز در کردستان مبارزه می‌کنند و در این راستا قربانی هم داده‌اند و کسی هم نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد و سرانجام موفقیت نهایی در گرو همکاری تمامی احزاب قرار دارد، لیکن واقعیت‌ها این را به ما می‌گویند که کسی نمی‌تواند تأثیرات مبارزه حزب دمکرات در ۷۲ سال گذشته را انکار و یا رد کند، زیرا این حزب، موتور محرکه‌ی مبارزه در شرق کردستان است و هر وقت مبارزات آن گسترش پیدا کرده، مبارزه در این بخش از کردستان نیز گسترده‌تر شده است. اگر کنگره در این راستا موفق باشد که همه ما این امید را داریم، می‌تواند در مواردی از جمله راسان، اتحاد و همبستگی، حکومت و قانون برای آینده کردستان، چگونگی برخورد با جمهوری اسلامی و همچنین در ایفای نقشی مؤثر در معادلات منطقه‌ای، بسیار موفقتر از قبل قدم بردارد. چیزی که بیشتر حائز اهمیت می‌باشد، این است که با نگرشی ملی و میهنی به استقبال نوروز می‌رویم. یعنی همه احزاب در این نوروز سهیمند و مشارکت دارند که این خود امید بیشتری به مردم می‌دهد. نوروزی مشترک و بهاری مشترک، سیاسی مشترک نیز برای مسائل ملی و میهنی ایجاد می‌کند. تحلیل‌ها و تفسیرها برای بهار و نوروز در همه بخش‌های کردستان گرچه متنوع و متفاوت است، لیکن تهدیدها تا اندازه‌ای شبیه همدند و از یک نقطه سرچشمه می‌گیرند، آن هم جمهوری تروریستی اشغالگر ایران است. پس باید همه باهم برای خشکاندن این سرچشمه‌ی ظلم و فساد در حد امکان قدم برداریم. همچنین موفقیت تمامی گام‌های لازم برای رسیدن به اهدافمان در گرو اتحاد، مدرن بودن، علمی بودن و غنیمت شمردن فرصت‌ها و پتانسیل‌هاست. امیدواریم که همه قدم‌های لازم و درست تبدیل به واقعیت شوند و اگر این نوروز هم نباشد، نوروزی دیگر، نوروز ملتی آزاد در کردستان آزاد باشد.

تکوین و تکامل گفتمان کردایه‌تی در کرماشان و ایلام

بخش دوم: مکانیزم تقابل هویتی



اجتماعی جامعه‌ی بشری است. سوژه کرد در این منطقه از کردستان چنین پیشینه‌ای را در تجربه خود دارد و با اولین ندای گفتمانی که بر سکوی مقاومت و با اعتماد به نفس از میهنش کردستان و ملت کرد سخن می‌گوید یا ملودی و تصنیفی کردی را پیشمرگه خطاب قرار می‌دهد او فرزند دلیر کرد و کردستان "به تفکری عمیق فرو می‌رود و به خود می‌گوید پس این منم! اما نه من تنها، بلکه منی بزرگ و بزرگتر که تمایل دارد به ما بدل شود. بدین شیوه من و هویت جمعی من متولد می‌شود، چرا که نادهای ملی، ندای نو است و با علقه‌های هویت کهن جایگزین می‌شود و در این هویت جدید تمایل به جاودانگی جمعی به فرد رضایت و معنی می‌دهد. در این رابطه، یکی از فعالین کرد (اسم محفوظ است) کرماشان این مکانیزم را چنین بیان می‌کند: "من دانشجوی سال اول در کرمانشاه بودم. روزی یک نشریه دانشجویی انتقافی به دستم رسید. در این نشریه مقاله دختر دانشجوی کردی توجهم را جلب کرد. مقاله در مورد اضمحلال فرهنگ کردی در کرماشان بود. با خواندن این مقاله در یک لحظه احساس کردم که من دیگر نباید سعی کنم خودم را فارس نشان دهم، چرا که همیشه احساس می‌کردم که باید یک چیز را از دیگران پنهان کنم و آن هم کرد بودن بود و فکر می‌کردم اگر خودم را فارس جا بزنم، جامعه بیشتر من را قبول می‌کند و اگر کرد بودن را انکار کنم، من باکلاستر هستم، اما فهمیدم با کرد بودن هم می‌توان توجه دخترها را جلب کرد و حتی می‌توان کلاس گذاشت و یک لحظه خود را متعلق به سرزمین و ملتی می‌دانستم که سزاوار احترام است". در مبحث بعدی به اهمیت حفظ هویت و قرار ملی در این رودخانه معانی شناور می‌کند و این همان ادامه پویایی

رضایت خاطر خود بدان واکنش نشان می‌دهند و واژگان کردی که بر زبان معلم جاری می‌شود، ناخودآگاه کردبودن آنها را بیدار می‌کند. این ذوق و خنده‌ها به معنای پررویی و شکستن حرمت استاد نیست، بلکه اعماق وجودی را تحریک می‌کند که می‌گوید من حاصل آن فرهنگم، من انسان کرد هستم و معلم ما هم مثل من است، من هم خواهم توانست بزرگمردی چون معلم شوم. این خنده‌ها و این ذوق کودکانه میل نزدیکی به معلم را زنده می‌کند که او از تهران نیامده است، چرا که برای کودک کرد جا انداخته بودند که خوابان تنها پارسی‌گویند... در یک لحظه که کرد است، دروغ و تزویر آشکار می‌شود و شاید خنده‌ای که استاد از آن به تمسخر و پررویی تعبیر می‌کند، خنده بر پرتقال‌فروش شیاپ است. از داستان معلم و شاگرد مذکور می‌توان دریافت که انسان بدون دریافت معانی که در زیرساخت فرهنگی و اجتماعی تنیده شده است، ماهیت خارجی ندارد، چرا که انسان سوپرکتیوی که تحول‌ساز است، مسیر دگرگونی، تکامل و تکوین جوامع را رقم می‌زند، خود محصول ساختار اجتماعی و فرهنگی است. ساختار و فرهنگی که زنده است و از بدو تولد با کودک است و تمام خاطرات و شکل‌گیری شخصیت خود به آن وابسته است. این فرهنگ هویت جمعی فرد را شکل می‌دهد و در این میان توسط زبان و واژه‌ها به فرد انتقال داده می‌شود. در اینجا نقش زبان و سرکوب زبان در کرماشان و ایلام بسی برجسته می‌شود. بالاخره فرهنگ و زبان حاوی معانی از گذشته است و تا آینده ادامه دارد و انسان‌ها در این فرهنگ شناور می‌شوند و به نوبه خود معانی دیگر را در این رودخانه معانی شناور می‌کند و این همان ادامه پویایی

و اداری به اندیشیدن می‌کند. اگر چه بقیه‌ی مناطق کردستان هم آماج این حملات بوده است، اما مهاجمینی در حین عملیات نظامی علیه پیشمرگه‌های مبارز بودند. حداقل ناچار بودند که ملیس به لباس کردی شوند و یا از در مکر در آیند و کرد را ظاهراً انکار نکنند. در مدارس، کردی حرف می‌زدند و لباس کردی در مدارس ممنوع نبود. نام‌های کردی بر فرزندان کرد تا حدودی آزاد بود. در نهایت، سیاست دولت‌ها در بقیه‌ی مناطق کردستان بیشتر سرکوب سیاسی و محرومیت اقتصادی بود، اما در کرماشان و ایلام توأم با تحقیر و سرکوب روانی شخصیت کرد بود که در نهایت از کرد بودن بیزار شود و بتواند به نفع هژمونی فارسی از فرهنگ و زبان کردی دست بردارند و حتی مثل آنها فکر کنند. آنچه بر کرماشان و ایلام در این قرن گذشت به مراتب بیرحمانه‌تر بود. حتی موسیقی و مراسم عروسی کردی تا اوایل دهه ۱۳۷۰ ممنوع بود. در مدارس، معلمین اگر کرد هم بودند با دانش‌آموزان حتی در بیرون از محیط آموزشی هم کردی حرف نمی‌زدند و می‌گفتند که اگر کردی حرف بزنیم، دانش‌آموزان بررو می‌شوند. تمام نمادهای کردی همچون لباس کردی نام‌های کردی موسیقی کردی به صورت سیستماتیک و عریان تحقیر می‌شود، نام‌های کردی در میان فارس‌ها آزاد است، اما در کرماشان و ایلام تا به امروز هم تقریباً ممنوع است. بررسی پدیده بررو شدن دانش‌آموزان و کودکان کرد می‌تواند عمق ماجرا را بیشتر آشکار کند. در مدارس اگر به ندرت معلمی کردی صحبت کند و یا با دیگران کردی صحبت کند، دانش‌آموزان وی را قهرمان خود می‌دانند یعنی وقتی معلمی را می‌بینند که کردی صحبت می‌کند، ذوق‌زده می‌شوند و با خنده‌های کودکانه

ارزشگذاری‌ها تمام زوایا را از واکنش آشکار گرفته تا حرکات بدن در بر می‌گیرد و در نهایت آنچه از این مناسبات در جامعه نمود پیدا می‌کند، در راستای به حاشیه راندن و حذف فرهنگ کردی است. نموده‌های آن بدین ترتیب است که می‌خواهد این را به کردها القا کند که فارس برتر است. تقابل به حاشیه‌راندن معانی کردی و برجسته کردن فرهنگ هژمون بدین صورت است که فارس مدرن و کرد سنتی است، فارس با ارزش و کرد کم ارزش است، فارس ملی و کرد محلی است، کرد دهانی و فارس شهری است و... حتی اسماً افعال و گرامر زبان هم اگر شبیه فارسی بشود، ارزشمندتر است. یکی از دانشجویان کرماشانی مثال را مطرح کرد که: اگر کردی به هویج، "گزر" بگوید مورد تمسخر قرار می‌گیرد، فکر می‌کنند هویج همان چیزی است که در یک کافی شاپ در آمیوه‌گیری با تنقلات لوکس میل می‌شود، ولی گزر یک گیاه وحشی است که ریشه‌های خشنی دارد و خیلی هم با مزه نیست و از دل گل و کلوخ در می‌آید و توسط انسان‌های بدوی و دهاتی مصرف می‌شود. زنان و دختران کرد آماج اصلی این تحقیرها هستند. یکی از دختران کرد در گفتگو با نگارنده اظهار می‌دارد که ما دختران کرد از ترس تحقیر در مکان‌های عمومی قادر به پاسخگویی به تلفن نیستیم، چرا که ناچاریم با بستگانمان کردی صحبت کنیم و چنانچه اطرافیانمان بدانند که ما کرد هستیم، با نگاه‌های تحقیرآمیز مواجه می‌شویم. این دختر در نهایت تصمیم به شورش می‌گیرد و عمداً در مکان‌های عمومی با صدای بلند کردی صحبت می‌کند (اسم محفوظ است). به نظر می‌رسد که زنان کرد هم دیگر این جو تحقیرآمیز را بر نمی‌تابند. اینها القائاتی است که جامعه کردی را در برابر آن

فرهنگی کردهاست. گفتمان‌های ایرانی از راست تا چپ و از مذهبی تا سکولار بر پایه خوانش ساخته‌شده‌ی پسا مشروطیت ایران است که در نهایت وجود تنوعات فرهنگی و ملی را بر نمی‌تابد و پروژه ملت‌سازی خود را با انهدام و آسیمیله کردن این تنوعات در فشار و اضمحلال این پروژه علیه ملت‌ها در مناطق جنوبی کردستان چنان زیاد است که تنها یک کرد مناطق کرماشان و ایلام می‌داند که چگونه فرهنگ هژمون فارسی با غرور برساخته خود را به کردها از بدو زندگی کودک کرد ارائه می‌کند و هر کنش روزمره‌ای که نمود فرهنگ و زبان کردی باشد با تحقیر و تمسخر آنها مواجه می‌شود. در اینجا لازم است به چند نمونه از اقداماتی که در این راستا اعمال شده و یا می‌شود، توجه گردد. برای نمونه اگر در قسمت‌های دیگر کردستان نام مکان‌ها، شهرها و روستاها تقریباً کردی مانده و تغییری نکرده است، در استان‌های جنوبی کردستان یعنی کرماشان و ایلام، اسم کردی مکان‌ها را هم تغییر داده‌اند. این باعث می‌شود که رابطه زبانی کردها با مکان زیستی خود دچار انشقاق شود. در طول تاریخ، مردمان مهاجم مناطق اشغال‌شده را از نو نامگذاری می‌کردند تا مالکیت مکانی مناطق را به نام خود ثبت کنند. در این مناطق تقریباً تمام اسامی کردی را در نهادهای ثبتی از بین برده‌اند. کردها در کرماشان و ایلام می‌دانند که در مواجهه با فرهنگ فارسی هر نمودی از کرد بودن همچون لباس کردی، کلمات کردی، لهجه کردی و موسیقی کردی با تعاریف آنها ارزشگذاری می‌شود. در این ارزشگذاری نموده‌های فرهنگی کردی به صورت لوکال معرفی می‌شود که در اصطلاح عامیانه عقب‌مانده نامیده می‌شود. این



سهراب کریمی

در بخش نخست به نگاه نوین سوژه کرد در مناطق جنوبی کردستان و گزینه‌های انتخابی در گفتمان‌های شناور در میدان کنشی موجود اشاره شد. در این مبحث به چگونگی و مکانیزم تقابل هویتی کردها با هویت‌سازی گفتمان حاکم پرداخته می‌شود. آنچه در این قرائت از هویت هویدا می‌شود این است که گزینه‌های دیگر گفتمانی که جای خود را در کرماشان و ایلام باز کرده‌اند، اساساً با بنیاد و زیرساخت هویتی کردی نه تنها ناسازگار است، بلکه در واقع، در جهت نابودی فرهنگ و زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی کردی عمل می‌کنند و آن هم در مکانیزم اصلی که ساختار سیاسی و گفتمانی ایرانی علیرغم رویکرد سیاسی و حزبی و ایدئولوژیک دنبال می‌کنند این است که فرهنگ و زبان کردی را از تولید فراورده‌های فرهنگی ممنوع می‌کند و تمام ایده‌ها و معانی را که تولید می‌شود، از جانب فرهنگ مسلط فارسی به خورد جامعه کردستان و دیگر ملیت‌ها می‌دهند. در این مکانیزم، فرهنگ کردی اجازه مشارکت در جامعه‌پذیری مردم را ندارد لذا این مکانیزم یک هدف را دنبال می‌کند که از اول استراتژی ناسیونالیسم فارسی بوده که زیر نام ایران و ایرانی مستتر است و هدف آنها در نهایت اضمحلال زیرساخت‌های

KURDISTAN

روزنامه ی «کردستان» و وب سایت های حزب دمکرات کردستان ایران
در شبکه جهانی اینترنت

www.kurdistanmedia.com
info@kurdistanmedia.com

<http://www.pdkl.org>
pdkliran@club-internet.fr
[telegram.me/PDKlmedia](https://t.me/PDKlmedia)

Organ of the Central Committee of Democratic Party of Iranian Kurdistan - No 697 - 20 mar 2017

نوروز

نماد وحدت و اتحاد ملی

حجرتباد

